پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (نزدهم) دوشنبه ۲۴ سرطان ۱۳۴۷ هـ ۱۵ جولائی ۱۹۶۸ ع

دوکتور اناهیتا

اصلاحات دموکراتیک ارضی و قانون احصائیه و سروی اراضی

در شرایط کنونی عصر ما حل مسأله ارضی به شکل یک ضرورت قطعی و اجتناب ناپذیر کشورهای کم رشد درآمده است، زیرا از یکسو جمیعت درین کشورها با آهنگی سریع افزایش می‌یابد درحالی‌که زراعت عقب مانده آن‌ها قادر نیست سطح اراضی زیر کشت را با همین سرعت توسعه دهد و حاصل دهی کار زراعتی را بالا ببرد و از سوی دیگر این عدم هما هنگی بین افزایش سریع نفوس و عقب ماندگی وسایل تولید در کشورهای کم رشد موجب نفوس اضافی در دهات و شهرها می‌گردد. همچنین در شرایط زراعت عقب‌مانده، تولید محصولات زراعتی محدود باقی ما نده و گران تمام می‌شود که در نتیجه این امر احتیاجات روز افزون مردم به مواد غذائی از داخل تکافو نمی‌گردد زیرا میزان حاصلات مواد غذایی با آ هنگ رشد جمیعت تناسب درست ندارد، لذا ناگزیر غله باید از خارج وارد گردد. چنانچه از چند سال با اینطرف در کشور ما اجباراً صدها هزار تن غله وارد گر دیده است.

قلت و گرانی مواد اولیه زراعتی باعث کندی رشد صنعتی گردیده و در قیمت محصولات صنعتی نیز تأثیر نامطلوب وارد می‌نماید که نتیجه جبری آن محدودیت تراکم سر مایه درین صنایع و تضعیف قدرت رقابتی آن می‌باشد.

بنا بر آن حل مسئله ارضی یک ضرورت عینی و حاد برای کشورهای کم رشد و باالخصوص برای آ ن کشورهایی است که مناسبات تولیدی فیودالی تسلط کامل در آن‌ها دارد؛ و با انجام اصلاحات ارضی است که می‌توان در یک مدت کوتاه روابط ما قبل سرمایه‌داری را از جامعه طرد کرده و نفوذ امپریالیزم را برانداخت و راه را برای رشد زراعت ما شینی باز کرد و سطح محصول زراعتی و باز ده کار را در زراعت ازدیاد بخشید.

در کشور کم رشد ما که نظام فرتوت فیودالی مانع عمده رشد نیروهای مؤلده است و موجب فقر مدهش و هلاکتبار توده‌های ملیونی دهقانان ما گردیده است، حل مسئله ارضی یک ضرورت غیرقابل انکار می‌باشد زیرا شرایط اساسی رشد سریع نیروهای مؤلده لغو روابط کهنه فیودالی است.

اصلاح ارضی دموکراتیک و بنیادی در کشور به نفع همه دهقانان و به اشتراک آنان یکی از مسایل اساسی است جهت استفاده هر چه بیشتر از امکانات مادی و معنوی عصر به‌منظور طفره رفتن از یک دوره کامل تاریخی از طریق راه رشد غیر سرمایه‌داری و گذار به هدف غائی، از طریق طرد نظام فر توت فیودالی، لغو روابط اقتصادی نابرابر آن و کوتاه ساختن دست امپریالیزم از کشور.

- اصلاح ارضی دموکراتیک افغانستان تدبیری است به نفع توده‌های دهقانی و رهایی آنان از تحت پاشنه آهنین ملاکین فیودال و سود خوران ده در جهت رشد سریع نیروهای مؤلده، بالا بردن سطح حاصل دهی کار زراعتی و سر انجام ایجاد تغیر ما هوی در ساز ما ن زراعتی و نظام اجتماعی در روستا که البته چنین تغیری با مبارزه طبقاتی توأم خواهد بود؛ زیرا اصلاحات اساسی ارضی یک مسئله طبقاتی است که فقط با اتحاد محکم و مبارزه پیگیر کارگران و دهقانان می‌تواند به انجام برسد. در موضوع حل مسا له ارضی نظر ما مشخص و روشن است که در مرام نجات بخش دموکراتیک خلق افغانستان در شرایط ایجاد حکومت دموکراتیک و ملی در ین مرحله تاریخی چنین در نظر گرفته شده است.

ارضی:

«در زمینه انکشاف زراعت و اصلاحات.

نفوس افغانستان هر سال رو به افزایش است و تولیدات زراعتی با این رشد هما هنگی ندا رد. بحران دایمی در زمینه قلت مواد زراعتی و عقب ماندگی حیات دهقانی استثمار توده‌های عظیم دهقانان از جمله مسا یل حاد روز است.

علت عمده و اساسی این وضع تسلط طرز تولید زراعتی عقب ما نده قرون وسطایی و روابط کهنه فیودالی است که از طرفی قادر به تأمین نیازمندی‌های استهلاکی مردم افغانستان نیست و از طرف دیگر روز به‌روز تضاد بین ملاک و دهقانان را تشدید می‌کند.

برای ترقی اقتصادی و اجتماعی کشور و تعمیم دموکراسی و انکشاف قوای تولیدی زراعتی، حذف تولیدی کهنه زراعتی مو جود از طریق اجرای اصلاحات دموکراتیک ارضی شرط ضروری است.

به‌منظور انجام اصلاحات اساسی و دموکراتیک ارضی حکومت دموکراسی ملی ایفای اصول کلی ذیل را بر اساس مطالعات دقیق علمی مورد عمل قرار می‌دهد:

۵- اجرای اصلاحات اساسی ارضی بر مبنای عدالت اجتماعی با اشتراک همه دهقانان و به نفع مستقیم دهقانان کم زمین و بی‌زمین (بزرگران) افغانستان و وضع قوانین دموکراتیک و مترقی که جمیع نظامات و مؤسسات فیودالی را ملغی قرا ر دهد، استثمار و فقر دهقانان زحمتکش را از ریشه محو سا زد و سطح محصولات زراعتی کشور را به میزان وسیع افزایش دهد ۰

۶- حمایت و کمک به زمین داران خرد و متوسط و تضمین مالکیت آنان تا از زمین‌های خود به‌صورت صحیح و کامل بهره بر داری کنند و سطح حیات اقتصادی و کلتوری شان بالا رود.

۷- برای خلاصی فوری دهقانان خرد و متوسط به شمول اجاره دارا ن و دهقانانی که زمین را به دهقانی (کشتمندی) می‌گیرند و از گرو داری، قرضداری، بیکاری و عوارض دیگر تکالیف فیودالی ملاکان و سود خوران شهر و ده قوانین و مقررات دموکراتیک وضع می‌شود و هر چه زودتر در ساحه تطبیق قرار می‌گیرد. این قوانین و مقررات مناسبات و روابط اجاره داری و دهقانی را به نفع دهقانان بی‌زمین و کم زمین به مقصد طرد مناسبات کهنه فیودالی از ریشه اصلاح می‌نماید.

۸- از زمین‌های بایری که از طریق سرمایه‌گذاری دولت و کمک‌های خارجی آ باد و تحت زرع آورده می‌شود فارم‌های بزرگ دولتی احداث می‌یابد و به دهقانان کم زمین و بی‌زمین و کوچیان با اساس کوپراتیف‌های زراعتی توزیع می‌گردد.

۹- انجام اصلاحات دموکراتیک ارضی جداً ایجاب می‌نماید که نهضت و ایجاد کوپراتیف‌های فروش و خرید و تولید دهقانی در سرا سر مملکت از طریق رهنمایی و نظارت دموکراتیک دولت و تشویق و بیداری دهقانان صورت گیرد.

بدین ترتیب تأمین تمام تسهیلات لازم از قبیل افزار و ما شین آ لات زراعتی، میکانیزه کردن و عصری نمو دن سیستم زراعتی به مقصد بالا برد ن سطح حاصل دهی کار، استعمال کود کیمیاوی، تنظیم قیمت عادلانه محصولات زراعتی، تهیه بازار فروش اصلاح تخم و دفع آفات زراعتی و کمک‌های علمی و فنی از طریق همکاری متقابل مؤسسات کوپراتیفی دهقانان میسر گردد. این امور من‌جمله از طریق ایجاد بانک قوی زراعتی از طرف دولت به دادن تقاوی و کردت های کم ربع طویل‌المدت با شرایط مساعد به عمل میاید.

۱۰- اصلاح شبکه‌ها و انکشاف آبیاری برای زمین‌های کم آ ب و زمین‌های

(ص ۳)

بیرک کارمل

فعالیت‌های سیاسی نیروهای کهن و نوین

برای اینکه ماهیت فعالیت‌های سیاسی نیروهای مختلف و متضاد کشور را که موضوع روز است صحیح درک کنیم لازم است تا در قدم اول مفهوم سیاست و افکار سیاسی و نقش آن‌ها را در تکامل جامعه بفهمیم.

جامعه شنا سی نوین بیا ن می‌دارد که مناسبات مادی و اقتصادی انسان‌ها اساس تکامل اجتماعی جامعه است. ولی باید در نظر داشت که غیر از عوامل اقتصادی و فعالیت تولیدی انسان‌ها، جامع دارای زند گی معنوی نیز است که از مناسبات ما دی و اقتصادی آن سر چشمه می‌گیرد. زندگی معنوی انسان‌ها شامل افکار و نظریات معین سیاسی، اخلاقی و تیوری‌های علمی... و غیره است که از لحاظ منبع و نقش خود خصالت اجتماعی دارند و در دایره شعور اجتماعی شامل می‌گردند.

شعور اجتماعی اساساً عبارت از مجموعه افکار، تیوری‌ها و نظریات انسان‌هاست که زند گی اجتماعی آن‌ها را انعکاس می‌دهد. از آنجایی که زند گی اجتماعی پیچیده و متنوع است لذا شعور اجتماعی نیز پیچیده و متنوع می‌باشد. افکار و نظریات سیاسی و حقوقی، علم، فلسفه، اخلاق، هنر و عقاید اشکال گو نا گون شعور اجتماعی را تشکیل می‌دهند که ماهیت سیاسی و نقش آن را که در حیات اجتماعی روز مره کشور دارای اهمیت است، برای بحث و مطالعه انتخاب کرده‌ایم.

سیاست، مناسبات سیاسی و افکار سیاسی در جامعه با ظهور طبقات مبارزه طبقاتی و دولت بمیان آمد. از همین جهت است که سیاست و مناسبات سیاسی عبارت است از: مناسبات میان طبقات و مبارزه طبقات برای بدست آوردن قدرت و تسلط بر جامعه، همچنان روابط در بین دولت‌ها و ملت‌ها نیز در دایره سیاست داخل است.

در چو کات تشبثات و فعالیت‌های گوناگون دولت، سیاست جهت عده آن‌ها را تشکیل می‌دهد.

باید قبل از همه خاطرنشان کرد که سیاست مولود زیر بنا یعنی... به عبارت دیگر سیاست «بیان متراکم اقتصاد، تعمیم و پایان آن است. بخصوص در سیاست است که منافع اقتصادی طبقات به‌طور کامل و همه جانبه بیا ن می‌شود.»

اما نکته مهم و قابل دقت عبارت از این است؛ در حالی که سیاست مولود اقتصاد می‌باشد ولی به‌نوبه خود تأثیر عظیم و متقابلی بر اقتصاد و بر تمام شئون، جریان رشد و تکامل اجتماعی وارد می‌نماید. در این هیچ جای تردید نیست که رشد اقتصاد، زمینه‌های اساسی تحول اجتماعی را آ ما ده می‌سازد ولی این تحول در اثر فعالیت آگاهانه خلق که سیاست رهبر آن است بو جود میاید. بنا بر آ ن نقش عظیم سیاست در حیات و ترقی جامعه انکار ناپذیر است و در ایفای وظایف اقتصادی و تولیدی با نظر سیاسی و طبقاتی باید بر خورد کرد زیرا «بدون بر خورد سیاسی صحیح، طبقه معینی نمی‌تواند حکومت را در دست خود حفظ نماید و لذا نمی‌تواند وظیفه تولید خود را نیز ایفا کند » از اینجاست که سیاست می‌تواند بر اقتصاد جلو افتد.

باید یادآور شد که افکار و نظریات سیاسی با سیاست روابط بسیار نزدیکی دارد. در حالی که سیاست روا بط میا ن طبقات احزاب ملت‌ها و دولت‌ها را معین می‌کند، افکار سیاسی انعکاس دهنده و مبنای این روابط است. نظریات طبقات و گروه‌های سیاسی در باره مبارزه طبقاتی صلح، جنگ و انقلاب، در باره نظام دواتی و اجتماعی، در باره استقلال ملی و دموکراسی، در باره روابط میان ملل و دول، در باره سیستم جهانی سوسیالیزم و جنبش کارگری و آزادی بخش و سیستم جهانی سرمایه‌داری امپریالیستی و غیره همه در زمره افکار سیاسی به‌حساب می‌رود. مجموع این نظریات و افکار در تمام حیات مبارزه و فعالیت‌های

س. ع. کشتمند

نگاهی به وضع مالی دولت

امور مالی که اکنون قسمت مهم و مغلق زند گی اجتماعی را تشکیل می‌دهد جزیی از اقتصاد ملی است و تأثیر بزرگی بر رشد اقتصادی دارد. مسایل مالی با پول و صورت استفاده از آ ن سرو کار داشته و در واقعیت امر نشان‌دهنده مناسبات اجتماعی به ارتباط گردش پول می‌باشد؛ یعنی روابط پولی بین دولت و طبقات و گروهای مردم را معین می‌سازد که بر اساس آن وجوه پولی دولت تشکل اختیار نموده و برای انجام امور مربوط و وظایف آن مورد استعمال قرار می‌گیرد. مشخصه عواید این است که نتیجه فعالیت مردم، مؤسسات و سازمان‌ها می‌باشد و از آنجائی که تقریباً تمام اهالی کشور با مؤسسات مالی معاملات و سر و کار دارند، بنا بر آ ن نسبت به مسا یل مالی علاقه می‌گیرند و می‌خواهند سیستم کار آن را بدانند که بدین مناسبت ما مختصراً راجع به امور مالی کشور بحث می‌نمایم:

عواید پولی و ذخایر منابع مالی را تشکیل می‌دهد که طبقات زحمت کش کارگران دهقانان ایجاد کنند گان واقعی و اساسی عواید دولت، مؤسسات و سازمان‌های عامه می‌باشند و این کار ایشان است که برای تشبثات اقتصادی مفاد می‌آورد و قسمت کو چکی از آن به شکل مالیات پرداخت می‌گردد. لیکن قسمت اعظم این عواید در شرایط فعلی برای ارضای خواسته‌های مردم و بهبود شرایط زند گی شان بکار نمی‌رود، بلکه چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم به سود طبقات صاحب‌امتیاز جامعه و مؤسسات مربوطه به آن‌ها و ثروتمند شدن هر چه بیشتر آنان از طریق اعطای سبسایدی‌ها (تقاوی), امدادها در طرقی که بیشتر به نفع ایشان است به مصرف می‌رسد. بدین ترتیب پول از دست زحمت‌کشان و مالیه دهندگان واقعی که غیر از خلق کسان دیگری نیستند برون کشیده شده و به جیب استثمار گران ریخته می‌شود.

سیستم‌های مالی از یک کشور تا کشور دیگری فرق می‌نماید و آ ن بنا بر ماهیت دو لت‌ها و وظایف و مقاصدی است که در برابرشان قرار دارد، مثلاً در آن کشورهایی که تمام مواضع کلیدی اقتصاد بدست مالکین انفرادی و یا مؤسسات بزرگ خصوصی می‌باشد، امور مالی دولت به‌منظور استحصال حد اعظم سود ممکنه برای ایشان مورد استفاده قرار داده می‌شود و قسمت عمده فشار مالیات بالای گروه‌های زحمت کش جامعه می‌افتد، اما در جوامعی که مواضع کلیدی اقتصاد بدست دولت می‌باشد ۸۰ تا ۹۵ فیصد عواید دولت نه از طریق مالیات بلکه از طریق عواید و ذخایر اقتصاد ملی بدست می‌آید و منابع مالی به‌طور مؤثر سطح رشد همه جانبه اقتصاد ملی و ارضای نیازمندی‌های روز افزون و متداوم مادی و فرهنگی مردم بکار می‌رود.

در کشورهای که خود را از زیر استعمار رهایی بخشیده و رشد مستقلی را در پیش گرفته‌اند و به تسلط سرمایه خارجی و انحصارات امپریالیستی در اقتصاد ملی خود پایان داده‌اند، مالیات دولتی روز تا روز برای بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی و امحای بقا یای فئودالیسم و استعمار استعمال می‌شود و منابع مالی به پیمانه وسیع‌تری برای رشد صنایع، انکشاف زراعت و امور فر هنگی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اکنون باید دید که مسا یل مالی کشور ما از چه قرار است؟

منابع داخلی عایداتی کشور را در شرایط کنونی مالیات مستقیم مالیات غیرمستقیم، عواید فروش جایدادها و خدمات، عایدات فروش جوازنامه‌ها، عایدات استعمال جایدادها، عواید تصدی‌های دولتی و سایر عواید جزیی، مریی و غیر مریی تشکیل می‌دهد که در مجموع آ ن طی پلان دوم در حدود ۸/۱۵ ملیارد افغانی بود. از ارقام رسمی منتشره از طرف حکومت بر میاید که قسمت عمده این عواید از طریق مالیات غیرمستقیم که شامل محصول گمرکی و مالیات واردات و صادرات، محصول فروش اموال استهلاکی و معاملات تجارتی و محصول انحصارات می‌باشد بیشتر از ۵۵ فیصد مجموع عواید از منابع داخلی را تدارک می‌بیند.

مالیات غیرمستقیم که بار سنگین و فشار آن را زحمتکشان شهر و ده کشور که اکثریت مطلق جامعه را تشکیل می‌دهند بدوش می‌کشند و این نوع مالیات که در واقع شکلی از استثمار اکثریت مردم است باعث گرا نی قیمت‌ها و پایین آمدن سطح زندگی مردم می‌گردد و هر باری که در آ ن افزایش به عمل میاید رنج دیگری بر رنج‌های بیشمار و مشکلات عدیده مردم افزوده می‌شود.

مالیات غیرمستقیم به مقایسه مالیات مستقیم چهار مرتبه بیشتر است یعنی رقم ۹/۸ ملیارد افغانی در طی سال‌های پلان دوم در برابر ۲/۳ ملیارد افغانی، که به این حساب مالیات مستقیم کمتر از ۱۵ فیصد عواید جاری دولت را بدون استقراض از بانک‌ها و نشر بانکنوت جدید و قروض و امدادهای خارجی، تشکیل می‌دهد.

اصولاً باید قسمت عمده بودجه سالانه دولت از طریق مالیات مستقیم تأمین گردد، اما طوری که به ملاحظه می‌رسد سهم آن ناچیز است. مالیات مستقیم در کشور ما شامل اقلامی چون مالیات بر عایدات انفرادی، مالیات بر عایدات شرکت‌ها، مالیات اراضی و مالیات مواشی می‌باشد.

مالیات بر عایدات انفرادی به‌تناسب عواید بزرگ اشخاص و اقشار ثروتمند خیلی کم است.

غالباً تجار صادر کننده و وارد کننده و بالخصوص تاجران بزرگ دلال و تجار خارجی از پرداخت مالیات به نیرنگ‌های مختلف گریز می‌نمایند. مالیات بر عایدات شرکت‌ها در احصاییه‌های رسمی حکومت ارقام ناچیزی را نشان می‌دهد. شرکت‌های داخلی اعم از تجارتی، صنعتی، ساختمانی، ترانسپورتی و غیره به حیل گوناگون از تأدیه مالیات سر باز می‌زنند و نمایندگی‌های انحصارات امپریالیستی که به غارت و چپاول در کشور ما مشغول‌اند و با وصف اینکه منابع هنگفتی را سالانه به شکل اسعار و اموال از کشور خارج می‌نمایند، اصلاً در بیلانس‌های مالیات سالانه‌شان مفاد نشان نمی‌دهند و اگر هم نشان دهند فیصدی کوچکی از مفاد خالص هنگفت آن‌ها می‌باشد.

(ص ۲)

زوړ او وروست قبیلوی نظام او سیاست د ځائیو

او منګلو د شریفو خلکو تر مینځ د خونړیو شخړو موجب شو

په خواشنی سره مو خبر اخیستی دی چه په دی رآوروستو و ختوکی د پکتیا په ولایت کی د منګلو او ځائیو د قبیلو تر منځ د یوه (پله) د جوړولو په سر نښته شویده چه له دواړو خواوو نه څو تنه وژل شوی او تپیا ن شویدی.

خبر وایی چه د (پله) د موضوع په هکله دوا ړو خواوو حکومت ته خبر ورکړی او پرله پسی مراجعی یی کړی وی، خو حکومتی مامورینو د موضوع د حل په باره کی جدی اقدام و نکړ او موضوع د دوو ورونو قبیله تر منځ وخامت پیدا کړ او مسلح نښتی ته خبره ورسید له.

دغه پیښه چه د قبیلوی نظام زیږنده ده او تل د ورونو قبایلو تر مینځ داخ او ډب سبب گرزی د نړی په اوسنیو شرایطوکی د ټولو هیواد پالنکو منورینو د ژوری خواشنی سبب شویده.

لکه چه معلومه شویده د پکتیا منورینو او وطنپالونکو په تیره بیا محصلینو په یوه ټولنه کی په حکومت باندی اعتراض کړیدی چه ولی په تدبیر او ښه نیت سره د دغو شریفو او و طنپالونکو خلکو یووالی نه تامینوی او ددغه شان کړکیچنو پیشو مخه نه نیسی.

مونږ پداسی حال کی چه د پکتیا د هیواد د نورو سیمو د خلکو په زیار ایستونکی، و طنپالونکی، شریف او پاک ګڼو او عقیده لرو چه د نورو هیوادوالو تر څنګ یی له استعمار څخه د خپلواکی په ګټلو او د خپلی خاوری د ساتلو په لار کی لوی قربانی ورکړیدی، ژر به د خپلو منورو وطنپالونکو زلمیانو تر لارښوونی لاندی د خپلو مشکلاتو د حل لاری پیدا کړی.

په افغانستان کی د قبیلوی نظام موجودیت چه د استعماری اداری، مستند او ارتجاعی قبیلوی سیاست نتیجه ده د ټول پسمانیو او نفاق او جنګ جګړی مسوول بولو او په کلکه غوښتنه کو چه دغه ارتجاعی سیاست له بیخه تغیر ومومی. مونږ د حکومتی رشوتخورو او استفاده جو مامورینو او د هغوی د قبایلی اعمالو هر دول فتنه اچول، نفاق پیدا کول، جبر او تشدد په کلکه سره غندو.

د پکتیا له ټولو شریفو او زړورو خلکو په تیره بیا د ځائیو او منګلو له نجیب خلک او وطنپالونکو منورینو څخه غوښتنه کو و چه د هر ډول نښتو او وینو تویولو مخه ونیسی.

ولی چطور می‌تواند این وظایف بزرگ اجرا گردد و کشورهایی از قبیل هندوستان آندونیزیا برما و گانا خود را از فقر نجات دهند؟ آیا این کشورها می‌توانند این وظایف را همچو آلمان، برتانیه، ایالات متحده و جاپان از راه جنگ‌های اشغال گرانه، بدست آوردن مستعمرات، وضع غرامات جنگی بر کشورهای دیگر اجرا کنند و با این طریق به فقر و عقب ماندگی خود خاتمه دهند؟ و یا می‌توانند این کار را از طریق سرمایه‌داری، از راه تباه کردن صدها میلیون از دهقانان و کارگران و پیشه‌وران بدست سرمایه‌داران بزرگ خارجی و «ملی »بسر رسانند؟ و آیا مستعمرات فقر زده می‌توانند به کمک‌های اقتصادی و تخنیکی انحصارات بزرگ امپریالیستی چشم امید داشته باشند؟

واضحاً، جوابی که در برابر همه این سؤالات داده می‌شود منفی است صرف نظر از اینکه انحصارات سرمایه‌داری نمی‌خواهند در این کشورها برای خود رقیب خلق کنند، نمی‌توانند و ابداً حاضر نیستند به کشورهای کم رشد به‌اندازه نیازمندی این کشورها کمک نمایند تا بر عقب ماندگی خود فایق آیند. برای انحصارات سرمایه‌داری بزرگ مفید نیست که سرمایه‌شان را در احداث مراکز صنعتی جدید بکار اندازند چه این نوع سرمایه‌گذاری‌ها نمی‌توانند برای یک مدت برای یک مدت طولانی سود کامل بار آورند. آن‌ها نمی‌توانند بر ضد پرنسیپ اساسی اقتصاد سرمایه‌داری یعنی بر ضد قانون ارزش حرکت کنند.

حل مسایل بزرگ اقتصادی امروز بر خورد جدی‌یی را ایجاب می‌نماید.

مکرراً خاطر نشان می‌گردد که برای تأمین ترقی اقتصادی و صنعتی ساختن کشورهای کم انکشاف پرابلم تجمع سرمایه تنها یک پهلوی مسئله است. پهلوی دیگر آن را قوای ماهر انسانی تشکیل می‌دهد. به غرض فایق آمدن بر عقب ماندگی موجودیت متخصصین زراعت، انجنیران، اقتصاددانان، ماهران آبیاری، جیولوجی دانان و غیره ضرورت است. یک صنعت ملی نمی‌تواند به متخصصین خارجی متکی باشد. بالخصوص اگر وظایف بزرگ اقتصادی‌ای که در برابر این کشورها قرار دارد در نظر گرفته شود، دیده می‌شود که متناسب به آن پرسونل تربیه یافته وطنی در آن‌ها معمولاً بسیار کم است.

بدین معنی که باید در ساحات مورد نظر متخصصین ملی تربیه گردد و سیستم طبقاتی در معارف از بین برده شود، کار گران ماهر ملی تربیه گردد. از آنجایی که صنعت و زراعت جدید به کار گران ماهر ضرورت دارد، باید بی‌سوادی و نیمه بی‌سوادی از بین برده شود.

تلخیص وترجمه : م.ا خیبر

جنبش آزادی‌بخش ملی و راه رشد غیر سرمایه‌داری

علاوه بر آن چون موفقیت ساختمان اقتصادی به کار خلاق ضرورت دارد برای این مقصد باید سویه مردم عادی بلند برده شود. این به‌نوبه خود ایجاب می‌کند که به فقر و تهیدستی دهقانان و کارگران که مخصوص شرایط استعماری و نیمه استعماری می‌باشد، خاتمه داده شود.

در جریان حل عملی مسایل ساختمان اقتصادی و اجتماعی و خاتمه دادن به وابستگی این کشورها به نیروهای امپریالیستی و انحصارات بزرگ خارجی است که شایستگی حکومت‌ها، احزاب و رهبران جنبش آزادی بخش ملی مورد قضاوت قرار می‌گیرد. آن‌هایی که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند این پرابلم ها را حل نمایند، یا آن‌هایی که رفاه شخصی خود را بر رفاه و آسایش ملت ترجیح می‌دهند، جریان حوادث آن‌ها را از سر راه دور خواهد کرد. این جریان سرسخت تاریخ است که قوانین آن تابع هوس‌های افراد بزرگ نمی‌باشد.

این عوامل است که کشورهای آزاد شده را از راه رشد سرمایه‌داری منحرف می‌سازد. واضح است که تمام این‌ها باید از طریق مبارزه بدست آید. در کشورهایی که گروهای انقلابی نزدیک به خلق حکومت می‌کنند، انکشاف سریع صورت می‌گیرد. درحالی‌که عناصر دست راست حکومت می‌نمایند، نسل‌های جدیدی از مبارزان می‌رویند که شاید در حال حاضر در مزارع یا فابریکه ها کار کنند یا در دفاتر و کدام جای دیگر اجرای وظیفه نمایند، ولی وقت شان خواهد رسید. چنین است مبنای مادی انقلاب‌های آزادی‌بخش جدید و جنبش‌های خلقی در ملت‌هایی که مورد ستم امپریالیستی می‌باشند.

- ۳-

نمی‌توان انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش امروزی ملل تحت ستم را مانند سابق، جنبش‌ها و انقلاب‌های بورژوا دموکراتیک تلقی نمود و بورژوازی را «نیروی فرمانده »آن به‌حساب آورد. نبرد پیگیر و شدیدی بین طبقه کارگر و بورژوازی بر سر هژمونی (رهبری) در داخل جنبش آزادی‌بخش ضد استعماری و جود دارد. این نبرد هم به سویه ملی وهم به مقیاس بین‌المللی صورت می‌گیرد.

در کشورهای مستعمره و وابسته بورژوازی از چندین بخش مختلف مرکب است: الف- سر مایه خارجی که هسته آن را انحصارات بزرگ تشکیل می‌دهد و عامل عمده استعمار کهنه و نو می‌باشد، ب- بورژوازی دلال وطنی یا محلی که یکجا با فیودال‌ها و روسای قبال که همکار استعمار گران هستند به نیازمندی‌های سرمایه خارجی خدمت می‌کند و از نظر سیاسی و اقتصادی به آن ارتباط نزدیک دارد، ج- بورژوازی به‌اصطلاح ملی که در این کشورها صرف به مرحله ابتدائی رشد سرمایه‌داری رسیده است و از تاجران، ربا خوران، مالکین فابریکات کوچک و کارگاه‌ها (اکثر از نوع صنعتگری) مرکب می‌باشد.

دو بخش اول بورژوازی به شکلی از اشکال به انقلاب‌های ضد استعماری مخالفت می‌نمایند. بخش سوم (بورژوازی) بنا بر اینکه تحت ستم خارجی قرار دارد و با رقابت نیرومند انحصارات خارجی مواجه می‌باشد، غالباً تمایل دارد که از مبارزه وطن‌پرستانه پشتیبانی کند. امکان آن وجود دارد که بخش ثروتمندتر و طفیلی بورژوازی ملی، از جمله سودخوران از نظر سیاسی و اقتصادی بسیار ناتوان و بی‌نظم‌اند، از آن جهت با فیودال‌ها متحد گردد که از اجرای اصلاحات ارضی جلو گیری کند و جناح راست جنبش آزادی‌بخش ملی را تشکیل دهد.

بورژوازی کوچک و قساماً بورژوازی متوسط اکثر در مبارزه وطن‌پرستانه خلق کارگر فعالانه سهم می‌گیرد و به طبقه کارگر همکاری و معاونت می‌نماید. آن‌ها می‌توانند از راه سهم گرفتن در پروگرام های انکشافی ودر تولید مبتنی بر راه رشد غیر سرمایه‌داری نقش مثبتی بازی می‌کند. مشروط بر این که به‌طور مخفی یا علنی در برابر آن سبوتاژ و کار شکنی نکنند.

دهقانان نیروی عمده در جنبش‌های آزادی‌بخش آسیا، افریقا و امریکای لاتین می‌باشد.

واضح است که در کشورهای عقب مانده، بورژوازی «ملی »وسایل، تجربه و دانش کافی ندارد که به‌واسطه آن بتواند در شرایط پیچیده موجود نیروهای مؤلده را به‌سرعت رشد دهد.

درین کشورها بورژوازی ملی علاقه دارد سرمایه خود را در شقوقی بکار اندازد که به‌سرعت هرچه بیشتر دوران کند و در مدت کمتر حد اعظم مفاد ممکنه را بدست آورد، در حالی که پروژه‌های عظیمی چون سد عالی اسوان سرمایه‌یی را ایجاب می‌کند که بورژوازی مصر حتی توان تدارک آن را ندارد، مدت ساختمان آن آن‌قدر طولانی و مصرف ابتدائی ساختمان آن به‌قدری زیاد است که راجع به دوران سریع سرمایه ناتوان تجاری به آن عادت دارد، سؤالی بمیان آمده نمی‌تواند. بورژوازی در ساختن مکاتب، شفاخانه‌ها، کوپراتیف‌ها و غیره حتی از این هم کمتر علاقه نشان می‌دهد.

تمام این عوامل دریک عده از کشورها رهبران وطن‌پرست را با این عقیده رسانده است که به‌منظور انکشاف نیروهای مؤلده باید سکتور دولتی اقتصاد تقویه گردد. از آنجایی که اولین هدف بورژوازی افزون به سود شخصی خویش می‌باشد، رهبران وطن‌پرستی که با مردم تماس نزدیک دارند به این نتیجه می‌رسند که باید سرمایه‌داری خصوصی (به شمول سرمایه ملی) و مفاد حاصله از آن با اندازه قابل‌ملاحظه‌یی محدود گردد و درراه تجدید حیات ملی مورد استفاده قرار داده شود.

نه انحصارات بزرگ خارجی و نه نیروهای غربی هیچ‌کدام تمایل ندارد به غرض صنعتی کردن کشورهای عقب مانده اعتبارات وسیعی به آن‌ها بپردازد و از این راه برای خود رقبای بالقوه به وجود آورد. از آن رو رهبران جنبش آزادی‌بخش ملی هر چه بیشتر به‌سوی کشورهای سوسیالیستی روی میاورند.

امروز دیگر سوسیالیزم از مرحله تیوری گذشته و دریک عده از کشورها بیک امر واقعی مبدل گردیده است و زندگی روزمره صدها میلیون انسان مربوط به ملت‌ها و خلق‌های مختلف را تشکیل می‌دهد، وقتی کشورهای دیگر تجربه، رشد اقتصادی، فرهنگی ملی، یا نظام دول سوسیالیستی را میبینند. در حقیقت جهان بینی علمی را در عمل مطالعه می‌نمایند. از آن رو غلط خواهد بود اگر گفته شود که رهبران جنبش آزادی‌بخش ملی، جهان بینی علمی را نمی‌فهمند؛ زیرا هر قدر آن‌ها به کشورهای سوسیالیستی نزدیک شده می‌روند، راجع به سوسیالیزم و انکشاف بعدی آن مطالعه مبسوطی به عمل میاورند. در باره سوسیالیزم علمی و روش بی‌غرضانه و برادروار آن، در برابر جنبش آزادی‌بخش ملی ملت‌های تحت ستم آشنایی بیشتر کسب می‌کنند.

کشورهای سوسیالیستی برای آن‌ها حیثیت مهم‌ترین مکتب حیاتی را دارد که در آن جهان بینی علمی را می‌آموزند.

آن وقت مدت‌ها پیش سپری گردیده است که گروه‌های کوچک از روشنفکران مترقی اندیشه‌های سوسیالیستی را در جنبش خود به خودی کارگران تزریق می‌کردند، کنون پیروزی‌های کارگری و موفقیت‌های علمی، اقتصادی و تکنالوژیکی کشورهای سوسیالیستی خود وسیله تبلیغ افکار سوسیالیستی می‌باشد.

گذشته از این، وطن پرستان آسیا و افریقا که در راه استقلال ملی مبارزه می‌کردند، برای یک مدت طولانی تنها در طبقه کارگر غرب برای خود دوست و رفیق داشتند و تنها جهان بینی علمی بود که از زندگانی، نیازمندی‌ها، و شیوه‌های نجات آن‌ها حرف می‌زد. صرف عناصر مترقی آن‌ها را در مبارزه مقدس شان تشویق می‌نمودند. از این جهت آثار مترقی حیثیت کتاب رهنما برای بسیاری از آن‌ها داشت، گرچه مانند انقلابیون قرن ۱۹ روسیه بجهات دیگری نیز می‌دیدند و برای سؤالاتی که موجب تشویش آن‌ها می‌گردید، جواب می‌پالیدند و در محیط تاریک روسیه هر کتابی که دقت نظرشان را جلب می‌کرد، آن را با ولع می‌خواندند. اگر نظری به بیوگرافی‌های نهرو، نکروما و خطابه‌های بن بلا و مودیبو کایتا و دیگران انداخته شود، دیده می‌شود که جهان بینی علمی برای آن‌ها چیز ناآشنا نبوده، و طبیعی است که هر یک از آن‌ها آن را متناسب به درجه نزدیکی‌شان به توده‌ها و شرایط موجود اجتماعی و اقتصادی کشورشان پذیرفته است. بورژوازی از راه تبلیغات شدید خود علیه جهان بینی علمی سعی می‌ورزد موانعی در راه فهم درست آن ایجاد کند.

از رهبران کشورهای نو به آزادی رسیده بسیاری دست پرورده استعمار گران هستند و توسط آن‌ها به مقامات اساس رسیده‌اند. طبعی است که این نوع رهبران از سیاست استعماری پیروی می‌نمایند و به استثمار و غارت خلق ادامه می‌دهند...

آنچه در مرحله دوم مبارزه در راه تقویه استقلال حایز اهمیت می‌باشد فهم این موضوع است که استثمار گران و عمال استعمار از هر نژاد و ملیت بوده می‌تواند.

از جانب دیگر در عده‌یی از کشورهای نو به آزادی رسیده، جنبش‌های آزادی‌بخش ملی کسانی را به مقامات حکومتی رسانیده یا می‌رساند که اصلاً نه رهبران جنبش دهقانی هستند و نه انقلابیون پرولتری می‌باشند، بلکه کسانی اند که مسایل انکشاف بیشتر انقلاب‌های آزادی بخش ملی را صحیح‌تر می‌فهمند.

خود زندگی منطق مبارزه ضد امپریالیزم و ضد هواداران آن نفوذ روز افزون سیستم جهانی سوسیالیزم و قدرت اقتصادی آن، در یک عده از کشورهای نو آزاد شده، به رهبران وطن‌پرست می‌آموزاند که باید بیش از پیش پیوندشان را با کشورهای سوسیالیستی تقویه نمایند ودر حل مسایل مربوط به انقلاب‌های ضد فیودالی و ضد امپریالیستی به پشتیبانی توده‌ها متکی باشند. آن‌ها بیش از پیش به این حقیقت پی می‌برند که انقلاب صرف زمانی موفق شده می‌تواند که راه رشد غیر سرمایه‌داری، را ه رشد سوسیالیستی را در پیش گیرد. به‌طور عموم این راهی است که کاسترو و همچنین جمال عبدالناصر و بسیاری از رهبران بر جسته جنبش‌های آزادی‌بخش دوران ما در پیش گرفته‌اند.

(ص ۳)

د غرونو په تیاره کی

دی غرو نوپه تیاره کی لوی شو، دکمرونو په خواکی یی څوکاله شپیلی وغږ وله. دسپوږ می په پلوشو کی یی دسیند له ترانوځخه خوند ورلها مونه واخیستل اوله مینی او گرمی نه یی د کی سندری وویلی.

لور خیالو نه یی په دماغ کی وخوخیدل او ښایسته مر غلری یی سره و پیپلی، خو افسوس چه دده په زړه غوته پاتی شول او له ده سریو څای خا و روته لاړی.

یو څل یی د ژمی په یوه طوفانی او سره شپه کی لارو رکی پردیسان له مرگ څخه خلاص کړ ل او لار یی ورو ښوده. په قبایلی جگړ و کی څوځله په مور چل وخوت او دښمنان یی مات کړل.

دی دښکار په وخت کی یو ماهرښکاری، دجگړوپه وخت یو زړور سپایی او دکار په وخت کی یو چسپانده بزگر او گرندی شپون ؤ ـ خود ترو زوی ؤ او په غرو کی لوی شوی ؤ.

دی د ژوند تر پایه له تیارو څخه را ونه ووت او روښانه نړی یی و نه لیده.

دده گرندی منډه، دده خوږ آواز او دده د ذکاوت ستره بریښنا له نړی نه پټه پاتی شوه او چا یی اندازه و نه لگوله.

ده ته هغه الفاظ او توری چاو نه ښودل چه ده له هغه نه یو پل جوړ کړای وای او له خپلو تنکو غرونو چخه پراخی دیناته ور پوری وتی وای.

دده عشقونه، دده ارمانونه او دده سندری له ده سر یو څای خاوری شول.

دا دی تر نن پوری زما د خلکو د ژوند تصویر.

«سلیمان لایق»

از (ص اول)

نگاهی به وضع مالی دولت

که ما، بعدها در این موارد به‌تفصیل بحث خواهیم کرد.

مالیات اراضی بر طبق قانون خیلی کهنه و ضد مردمی و ضد دموکراتیک که تا کنون متداول می‌باشد جمع آوری می‌گردد و قطا چه از نگاه سیستم درجه بندی زمین‌ها و چه از نظر ساحه واقعی اراضی تحت کشت و بهره برداری و چه از لحاظ میزان مالیه دهی به واقعیت‌های عینی وفق نمی‌دهد، بدین جهت سهم این نوع مالیات در زمره اقلام مالیات مستقیم کوچکترین رقم است و آن هم قسمت بیشترش را دهقانان کم زمین و متوسط می‌پردازند و زمینداران بزرگ از پرداخت آن گریز می‌نمایند.

در چند سال اخیر حکومت از اخذ مالیات مواشی به نفع مالداران بزرگ صرف نظر کرد و قبل از آن‌هم که بنام «هست و بود »حصول می‌گردید بیشتر فشار آن بالای اهالی و مالداران کوچک بود.

موجز اینکه سیستم مالیه گذاری در کشور سراسر به سود طبقات حاکمه و صاحبان املاک و ثروت‌های بزرگ و به زیان طبقات زحمت کش و متوسط جامعه است.

با وصف اینکه رقم بودجه سالانه قلیل و تأسف آور است و برای رشد نسبی اقتصادی کشور فوق‌العاده ناچیز می‌باشد، اما قسمت قابل ملاحظه آن حیف و میل گردیده و مورد اختلاس و استفاده سوء قرار می‌گیرد.

از آنجایی که تناسب و تعادل معقولی در بودجه کشور ما، بین مصارف روز افزون دولت در اثر اضافه خرجی‌ها و عواید محدود داخلی وجود ندارد، بجای این که اصلاً از مصارف بی لزوم و زاید و سوء استفاده‌های وسیع از بودجه ناتوان کشور جلوگیری به عمل آید، کسر واقعی بودجه به روی صفحه کاغذ و گاهی هم به‌وسیله اقداماتی چون اضافه بستی مأموران پایین رتبه دولتی و غیره، استقراض از بانک‌ها و نشر بانکنوت جدید کوشش می‌شود متوازن جلوه داده شود.

افزایش مصارف عمومی دولت از یک سال تا سال دیگر که عواید ملی آ ن در چند سال اخیر تغیرقابل ملاحظه‌یی نیافته است، نتیجه جز پایین آمدن سطح زندگی عمومی و انتشار بانکنوت بیشتر و ترقی مخارج زندگی نخواهد داشت، چه در شرایط رکود فعلی اقتصادی و ثابت ماندن سطح معاشات و دستمزدها اصلاً احتیاجی به انتشار بانکنوت جدید نیست، که نتایجی چون افزایش قیمت‌ها، تورم پول و ارتقای قیمت‌های اسعار خارجه را در برابر پول داخلی در پی دارد.

همگان می‌دانند بودجه ناچیز کشور که محصول رنج و زحمت بی‌پایان توده‌های محروم افغانستان است چگونه بی‌رحمانه حیف و میل می‌گردد و قسمت قابل ملاحظه آ ن در راه‌های به مصرف می‌رسد که به هیچ وجه جنبه تولیدی ندارد.

در مورد اینکه قسمت اعظم عواید دولت را چطور «دیو» بیروکراسی کشور ظالمانه می‌بلعد و خلق‌های ما را تحت ظلم و ستمگری و بهره کشی بی‌رحمانه قرار می‌دهد مطالبی در شماره دوم پرچم زیر عنوان «در باره دستگاه اداری افغانستان» نگارش یافته است که خواننده می‌تواند به آ ن مراجعه نماید.

بودجه نامتعادل کنونی وضع تأسف آور اقتصاد کشور و ماهیت طبقاتی حکومت‌ها را در افغانستان ظاهر می‌سازد. خرابی وضع مالی کشور ناشی از سیاست‌های نادرست اقتصادی و مالی آن‌ها می‌باشد.

بنا بر آن برای برقراری تعادل در بودجه و غلبه بر دشواری‌ها باید در وضع کنونی تغیر اساسی به وجود آید و تا وقتی‌که تغیر ماهوی در سیاست اقتصادی ودر روابط اجتماعی کشور ایجاد نگردد، نمی‌توان هیچ‌گونه تثبیت اقتصادی را انتظار داشت.

چنین تغیر اساسی در ین مرحله تاریخی در شرایط به قدرت رساندن حکومت دموکراتیک و ملی صورت گرفته می‌تواند که سیستم مالی آ ن طوری تنظیم شود که صنایع ملی پیریزی گردد، اصلاحات دموکراتیک ارضی آنجا شود، نظام فیودالی از جامعه ریشه کن گردد، معارف، صحت و فرهنگ رشد یابد.

بودجه دولتی در چنین حکومتی به پیمانه وسیعی در راه رشد اقتصاد ملی و بسط و تحکیم سکتور دولتی در صنایع، زراعت و مواصلاحات و ارتقای سطح فر هنگی و اجتماعی مردم به‌وسیله امحای بی‌سوادی، انکشاف صحت عامه و بیمه‌های اجتماعی و ساختمان مکاتب و مؤسسات فرهنگی بکار خواهد رفت. هر سا ل قسمت بیشتر بودجه دولتی جهت سرمایه‌گذاری‌ها در پلان‌های طویل مدت به‌منظور تجدید ساختمان و تکامل اقتصادی تخصیص داده خواهد شد.

در چنین شرایطی بار سنگین و کمر شکن مالیات و بالخصوص مالیات غیرمستقیم از دوش مردم بر داشته خواهد شد و بجای آ ن مبنای ثابت مالی و منابع مالی داخلی که روز تا روز فزونی خواهد گرفت به وجود خواهد آ مد تا تکامل اجتماعی اقتصادی کشور را تسریع نماید.

ممکن است سؤالی به وجود بیاید که این منابع مالی کدام ها اند؟

گرچه درین مورد قبلاً مطالبی ارائه گردیده و بالخصوص در شماره «در شماره چهارم و پنجم پرچم» منابع عواید ملی و تراکم سرمایه در مضمون «یک نظر اجمالی بر منابع مالی پلان» به‌روشنی نشان داده شده اما باز هم درین جا به‌اختصار تمام از منابع عمده آ ن نام برده می‌شود.

از طریق خاتمه دادن به تشبثات تا جران بزرگ دلالان داخلی (کمپرادورها) و تاجران خارجی و نمایند گی های انحصارات امپریالیستی در کشور و ملی کردن تجارت خارجی می‌توان در عواید ملی و عواید دولت افزایش قابل‌ملاحظه‌یی را به وجود آورد. منبع دیگر تراکم سر مایه و ازدیاد عواید عمومی انجام اصلاحات اساسی و دموکراتیک ارضی می‌باشد و یکی از منابع دیگر عواید عبارت از ملی کردن و ملی نگه‌داشتن صنایع کلیدی بانک‌ها، وسایل حمل‌ونقل، شرکت‌های بزرگ و تقویه روز ا فزون بخش دولتی اقتصاد است. همچنین از طریق ایجاد اصلاحات عمیق اداره مالی، اصلاحات بنیادی اداری و ایجاد یک اداره مترقی اقتصادی ... و غیره می‌توان مدارک معقول و قابل‌ملاحظه مالی را افزایش داد.

بنا بر آن سیستم مالی کشور باید بر پایه‌یی قرار گیرد که در مرام دموکراتیک خلق چنین پیشنهاد گردیده است:

«امور مالی و بودجوی دولتی بروی اصول دموکراتیک و مترقی طبق مصالح خلق‌های محروم کشور، به مقصد انکشاف اقتصادی و ترقی اجتماعی اصلاح گردد و بار سنگین مالیات غیرمستقیم از دوش مردم بر داشته شده و به مالیات مستقیم اهمیت درجه اول داده شود...»

پایان

حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیام تبریک خود را به مناسبت پیروزی انقلاب ثور به زمین نگاشته اند

فعالیت‌های سیاسی نیروهای ...

از (ص اول)

طبقات، احزاب، حکومت‌ها و دیگر مؤسسات و سازمان‌های سیاسی مورد عمل قرار می‌گیرد. ودر مرامنامه‌ها، اعلامیه‌ها و قوانین اساسی، اسناد و آثار تیوریک آن‌ها انعکاس می‌یابد. به همین جهت است که از چند سال به این‌طرف (بعد از تدوین قانون اساسی جدید) در کشور ما محافل و جمعیت‌های سیاسی گوناگونی که در حال پیدایش است از خود افکار و نظریات سیاسی مختلفی ارائه و فعالیت سیاسی می‌کنند. از آنجایی که جامعه ما به طبقات متخاصم تقسیم شده است، این فعالیت‌ها و افکار سیاسی خصلت طبقاتی دارد و ناشی از منافع اقتصادی - اجتماعی طبقات موجود جامعه می‌باشد، لذا باید دید که این افکار و فعالیت‌ها مبین منافع کدام طبقه است.

مسلماً امروز از یکسو تمام محافل سیاسی مربوط به طبقات حاکمه و استثمار گر کشور می‌کوشند تا موضع حاکم و مسلط اقتصادی و سیاسی خود را از طریق فعالیت‌های سیاسی در دولت، از طریق تشکیل احزاب و سایر سازمان‌ها و پخش افکار سیاسی طبقه خود تحکیم بخشند. و از سوی دیگر پیش‌آهنگ و نمایندگان صدیق طبقه استثمار شونده (کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و سایر زحمتکشان شهر و ده) سعی می‌نمایند به کمک افکار و نظریات سیاسی به‌واسطه سازمان‌های سیاسی و از طریق فعالیت‌های سیاسی خود نظام ستم و استثمار طبقه حاکمه را از بین ببرند و در عوض آن جامعه نوین بدون ستم و ظلم و استثمار را پایه گذاری کنند.

افکار و نظریات سیاسی یا ایدیولوژی سیاسی ستمدیدگان، در حقیقت امر ایدیولوژی تحول انقلابی، ایدیولوژی انهدام کهنه و ایجاد نوین است که در وجود مبارزه نیروهای نوین و کهن ظاهر می‌گردد.

در افغانستان مبارزه نیروهای نوین علیه کهن شروع گردیده است و نطفه نوین نه تنها در بطن جامعه کهن بسته شده و قدم به عرصه وجود گذاشته بلکه نیروهای نوین شروع به رشد تدریجی نموده و با وصف کمی قواء با کهن مبارزه می‌کند، لهذا باید در نظر داشت نیروهای نوین اجتماعی که با کهن در نبرد اند تناسب قوا را به نفع خویش ندارند و تا اکنون نیروهای کهن در نبرد با نو عوامل مساعدی در اختیار دارند.

این مرحله یکی از مراحل حساس و مهیب مبارزه است که پیشاهنگان دلیر، تیزبین، اصولی، هوشیار، خونسرد و اتحاد و وحدت تمام نیروهای ترقی خواه وطن‌پرست و دموکراتیک را خواستاراست؛ زیرا نیروهای کهن ارتجاع مجرب، قوتمند و دارای مواضع حکمروایی مستحکمی در کشور هستند و هنوز دوران توازن قوا میان نیروهای نو و کهن و بالاخره علیه قوای نو بر کهنه نرسیده است و این مأموریت عظیم تاریخی تمام نیروهای دموکراتیک و ترقی‌خواه وطن‌پرست است که در تسریع شرایط غلبه نو بر کهن تلاش پیگیر و خلاق نمایند.

اکنون لازم می‌افتد تا بتوانیم که به‌طورکلی کدام افکار و نظریات سیاسی در نبرد اند و ایدیولوژی کهن و نوین کدام اند که خواهی نخواهی در فعالیت‌های سیاسی محافل و احزاب و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی کشور ما علی رغم تمایل ذهنی اشخاص، محافل، سازمان‌های سیاسی و دولت ظاهر گردیده و تمام صف بندی‌های سیاسی و سازمانی بر مبنای آن صورت می‌گیرد.

در دوران معاصر دو ایدیولوژی سیاسی متضاد یعنی ایدیولوژی سیاسی زحمتکشان و ایدیولوژی ملاکین فیودال و بورژوازی (طبقات حاکمه ستمگر) با یکدیگر درنبرد اند.

ایدیولوژی سیاسی طبقه کارگر که انعکاس دهنده منافع و مصالح تمام خلق زحمتکش جامعه است عبارت از ایدیولوژی دوستی و اتحاد تمام زحمتکشان...، وحدت و همکاری تمام نیروهای مترقی در مبارزه مشترک شان به خاطر صلح، آزادی و استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیزم می‌باشد که بیان کامل و همه جانبه آن در سوسیالیزم علمی، در تیوری و جهان‌بینی علمی، در مرامنامه‌های سازمان‌های سیاسی و پیش آهنگ طبقه کار گر و قوانین مترقی به ملاحظه می‌رسد. این ایدیولوژی، مبارزه طبقاتی زحمت کشان و ضرورت کامیابی سوسیالیزم را اساس می‌گذارد و رهنمای طبقه کارگر و حزب سیاسی آن در مبارزه اجتماعی است. تجربه تاریخی مبین این حقیقت است که: سیاست و افکار و نظریات سیاسی طبقه کارگر بر مبنای معرفت قوانین عینی تکامل اجتماعی استوار بوده و کاملاً با منافع تمام توده‌های خلق کشور مطابقت دارد.

در برابر ایدیولوژی سیاسی زحمتکشان، افکار و نظریات سیاسی ملاکین فیودال، بورژوازی و امپریالیزم قرار دارد که هدف اساسی آن‌ها عبارت از حفظ استثمار و ستم ملاکی و بردگی نظام سرمایه‌داری و مقدس نشان دادن نظام ملاکی و سرمایه‌داری و تحکیم زیربنای اقتصادی کهنه و منسوخ سرمایه‌داری است. باید سخت متوجه بود این افکار سیاسی به هر شکلی که تبارز کند سر انجام سیاست سرکوبی زحمتکشان و نیروهای دموکراتیک و مترقی و ستم ملی را در داخل کشور اساس می‌گذارد؛ زیرا ماهیت افکار سیاسی ملاکی و بورژوازی محتوای ماهیت ارتجاعی و ضد بشری و فاقد خصوصیات علمی بوده و با منافع ملی و خلق‌های کشور سازگار نیست.

بنابرین مأموریت تاریخی تمام نیروهای دموکراتیک و ترقی‌خواه وطن‌پرست که کمر همت به خدمت خلق افغانستان بسته‌اند در مرحله حساسی از فعالیت‌های سیاسی رسیده است. آن‌ها باید بر مقیاس منافع توده‌های عظیم خلق کشور تمام صف بندی‌ها، فعالیت‌ها و افکار و نظریات (ایدیولوژی) سیاسی گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی و احزاب نوظهور کشور را که انعکاسی از منافع اقتصادی طبقاتی، ستمگر و ستمدیده، استثمارگر و استثمار شونده و متوسط جامعه می‌باشد مورد قضاوت نظر و عمل قرار دهند و درین مرحله تاریخی موضع گیری اصولی نمایند؛ زیرا از هم اکنون نیروهای ارتجاعی و محافل حاکمه کشور که مترصد اعلان قانون احزاب سیاسی‌اند با توطئه و غرش‌های مغرورانه و سروصداهای عوام‌فریبانه طبق دستور مقامات مربوط با مصونیت کامل سازمان‌ها «اتحادهای مقدس »را علیه نیروهای اصیل دموکراتیک و ترقی‌خواه وطن‌پرست کشور راه انداخته‌اند و افکار و نظریات سیاسی زهرآگین خویش را در فضای اختناق آور کشور پخش می‌کنند و دسته بندی‌های سمتی، قومی و زبانی و تحریکات مرتجعانه را علیه ایجاد سازمان‌های سیاسی سرتاسری کشور، علیه نیروهای دموکراتیک و مترقی جامعه، علیه مبارزه طبقاتی و افکار و نظریات و ایدیولوژی سیاسی زحمتکشان و پیشاهنگ وطن‌پرست آن پیش می‌برند. این نیروهای ارتجاعی در کشور جسورانه علی رغم آزادی‌های مصرح در قانون اساسی از طریق انتشار افکار فرتوت سیاسی و حقوقی و وضع قوانین ضد ارزش‌های قانون اساسی، از طریق انتشار افکار فرتوت سیاسی و حقوقی و وضع قوانین ضد ارزش‌های قانون اساسی، مشی عدم استقرار آزادی‌های دموکراتیک و سیاسی افراد را تا سرحد امحاء وعدم تطبیق حقوق اساسی مردم تعقیب کنند، و بدین ترتیب موضع و منافع اقتصادی خویش را استحکام بخشند.

طبقه حاکمه برای آنکه قادر بدان گردد تا اراده خود را بالای اکثریت عظیم مردم بقبولاند، نه تنها از دستگاه دولتی و افکار سیاسی استفاده می‌کند بلکه از طریق وضع و گذشتاندن قوانین خود منافع توده‌های عظیم خلق از مجلس مقننه (پارلمان) نیز نهایت بهره می بردارد و سعی بلیغ به خرج می‌دهد تا چنین وانمود کند که گویا حقوق و قانون خصلت طبقاتی ندارد و مظهر عالی‌ترین عدالت (!) و مساوات (!) است. این خصلت در کشور ما در پیشنهاد و وضع چندین قانون (قانون انتخابات، قانون احزاب، قانون جرگه‌های ولایتی، قانون سروی و احصائیه اراضی و قانون پوهنتون ...و غیره) از طرف حکومت و شوری به‌خوبی نمایان است، به همین علت است که امروز مطلق ساختن راه مبارزه پارلمانی و پا رسای پارلمانتاریزم شدن (بدون تألیف مبارزه پارلمان با مبارزه خارج پارلمان ودر نظر گرفتن دیگر اشکال و صورت‌های مبارزه ...) مورد تردید جدی نیروهای ترقی‌خواه صدیق و اصولی قرار دارد.

باید خاطر نشان ساخت که علی القاعده در جامعه ما به‌طور کلی تا اکنون عملاً سیستم حقوقی فیودالی مسلط است که افکار حقوقی فیودالی آن را پایه گذاری می‌نماید. البته در جریان سیستم حقوقی کشور ما نظام حقوقی بورژوائی نیز رخنه کرده، ولی تا اکنون در برابر نظام حقوقی فیودالی پایه‌های آن ضعیف است.

درنتیجه این بحث باید اعلام داشت که محافل ارتجاعی و هیأت حاکمه افغانستان درین روزها درراه حفظ منافع اقتصادی و تحکیم سیطره سیاسی خویش دست به پخش افکار و نظریات سیاسی و حقوقی و ایجاد سازمان‌های سیاسی و وضع قوانین ارتجاعی ضد دموکراتیک و ضد منافع خلق می‌زنند و سخت در تقلا و کشش‌اند که به‌اصطلاح به‌وسیله «قانون »جلو رشد نیروهای وطن‌پرست و ترقی‌خواه کشور را بگیرند و جریان را به نفع ارتجاع بگردانند و با حفظ روش اختناق، سیاست اغوای افکار عمومی، مانورها و عوام‌فریبی‌های اجتماعی را شروع کنند و طبق دستور اقدام به تشکیل احزاب دولتی و ارتجاعی نمایند و بر مبنای لست سیاه عناصر و نیروهای صدیق ملی، دموکراتیک و ترقی‌خواه وطن‌پرست را از حقوق و فعالیت‌های سیاسی و پخش افکار مترقی سیاسی محروم سازند. ولی علی رغم این فعالیت‌های سیاسی مرتجعین، باید خاطر نشان ساخت که اکنون نبرد میان نیروهای نو و کهن، مبارزه علیه نیروهای مرتجع و مترقی در کشور شروع گردیده است و عنصر کهن یعنی عنصر منسوخ در حال زوال قرار دارد و شرایط نوین اجتماعی روز بروز عامل آگاهی سیاسی نوین را علیه مبارزه و فعالیت‌های سیاسی کهن تسریع می‌کند و عامل خودبه‌خودی روزبه‌روز زمینه را برای غلبه بر کهنه تهیه می‌بیند و بدان پختگی می‌بخشد و مبارزه به علیه نیروهای نوین و دوران‌ساز اجتماعی انجام می‌یابد و عرصه کهن را تصرف می‌کند و نهضت دموکراتیک ملی به جهت هدف غائی یعنی ساختمان جامعه سوسیالیستی راه خود را از میان دژ استبداد و ارتجاع و استعمار و امپریالیزم باز می‌کند. این است حکم تاریخ!

اویان...

اویان غریب ملت عبرت آل دا شدن
بس دور شو نچه یا تدینگ گو زده یا ش بیلان
«تقدیر قسمت بزه ازلده، با شد ن»
دیب یا تمه دینگر و دو ش بیلان

* * *

در خند ن آ سیلیب قمچین لا رایب
یور سنگده چید ا یوب قسمتم د یب
دیر یلیکده شو یله عمر ینگنی یو یو ب
یا تمه تور غین آغلاب گوزده یا ش بیلان

* * *

باشقه لا ر بر لا شیب آ لدی حقینی
یو لدی _ استبداد ینگ کو کینی
نشان آ لیب دینگ یا شاماق اوقینی
اتغین ایندی همه یقین ذاش بیلان

* * *

بر لا شمسنگ سنینگ رحمینگ کیم ایار
نا دانلیق یوق او لسه دینگ لیگه او یار
عرض و داد ینگ کیمه یتارکیم دیار
«فدایی »دیر او لوقت عقل و هوش بیلان

(م. دولت. فدائی)

(از ص ۲)

جنبش آزادی‌بخش ملی...

بعضی از آن‌ها از کامپ مخالف به انقلاب آمده‌اند، ولی چنین گذارها در قرن گذشته نیز رخ داده است.

سیستم سوسیالیستی از همان مراحل اول انکشاف جنبش‌ها و انقلاب‌های آزادی‌بخش ملی به حیث یک تهداب و عامل نیرومند اخلاقی سیاسی و نظامی خدمت می‌کند، و به‌مثابه قدرت اقتصادی جهانی به این جنبش‌هایی که نیروی آن روز افزون است، کمک‌های وسیع و بی‌غرضانه می‌نماید. سوسیالیزم به حیث یک نظام اجتماعی، در عین زمان به ملت‌ها نمونه عملی نشان می‌دهد که چگونه خود را از مرداب عقب ماندگی و فقر بکشند و در عمر یک نسل به مدارج عالی تمدن جدید برسند. علاوه بر آن، سوسیالیزم به تمام ملت‌های عقب مانده و خلق‌ها امکان می‌دهد آن عدم تساوی را که از گذشته برای شان به میراث مانده از بین ببرند و شرایط مقدماتی را برای گذار کم‌وبیش همزمان تمام کشورها (عقب مانده باشد یا پیشرفته) به جامعه کاملاً بدون طبقات و خالی از تضادهای اجتماعی «در مدت یک دوره تاریخی» تهیه نمایند.

این یک امر خیالی نه، بلکه دورنمای واقعی است که با سویه فعلی نیروهای مؤلده و تجربه ساختمان اقتصادی در کشورهای مترقی کاملاً مطابقت دارد. سیستم جهانی سوسیالیستی یکی از پیروزی‌های عمده طبقه کارگر جهانی بشمار می‌رود. در جاهایی که هنوز طبقه کارگر نتوانسته است رهبری جنبش آزادی‌بخش ملی و امور ملی را بدست بگیرد نیرو و نفوذ روز افزون سوسیالیزم در امور جهانی این فقدان نسبی و موقتی قدرت طبقه کارگر را جبران می‌نماید.

تجربه و همکاری عملی نیروهای وطن‌پرست با کشورهای سوسیالیستی در حل مشکل‌ترین مسایل اقتصادی فرهنگی واداری در عمل نشان می‌دهد که کشورهای نو به آزادی رسیده از کدام طریق می‌توانند بهترین و سریع‌ترین نتایج را در ساختمان حیات جدید بدست آورند. در عین زمان، این همکاری جراثیم نفرت و بدبینی را که امپریالیزم و ارتجاع درباره جهان بینی علمی پخش نموده است از بین می‌برد.

به‌طور عموم این‌ها هستند عوامل اجتماعی اقتصادی که حکومات جمهوریت متحده عربی، الجزایر، سوریه برما و دیگر کشورها را ودار می‌نمایند تدابیری را بر ضد امپریالیزم و سرمایه‌داری (وطنی) اتخاذ نمایند. این تدابیر ولو بر ضد امپریالیزم باشد، در بدو امر سوسیالیزم نیست. تدابیر مذکور در جمهوریت متحده عرب و الجزایر و سوریه گام‌هایی است که در جهت راه رشد غیر سرمایه‌داری برداشته می‌شود. این پیش‌بینی مشکل است که قبل از آن که چنین انکشاف ماهیت سوسیالیستی پیدا کند کدام مراحل را خواهد پیمود. در اینجا بازهم نباید موضوع را ساده نمود.

امکان دارد وضع به شکلی که در جاپان واقع شد انکشاف نماید. در جاپان سکتور دولتی به غرض تسریع رشد نیروهای مؤلده مورد استفاده قرار داده شد، ودر نتیجه مالکین انفرادی (از آن جمله وزرا) تمام تشبثات صنعتی و غیره را که با این طریق به وجود آمده بود در تصرف خود درآوردند. این امر در جریان مبارزه فیصله خواهد شد. ولی تعقیب «راه جاپان »برای کشورهای روبه انکشاف امروزی مشکل است؛ زیرا سیستم اقتصادی جهان امپریالیستی مانع ترقی کشورهای کم رشد می‌گردد و نمی‌گذارد در این کشور چنان تغییرات بزرگی واقع شود که در پایان قرن گذشته در جاپان رخداد.

(ص ۴)

از (ص اول)

اصلاحات دموکراتیک ارضی و...

بایر ذریعه حفر کاریزها، چاه‌های عمیق، کانال‌ها و اعمار سدها و بندها از امور اهم و اولی انکشاف زراعتی مملکت به‌حساب می‌رود.»

در نتیجه باید به کمال تأسف اظهار داشت: در شرایطی که تقریباً تمام کشورهای کم رشد آسیایی و افریقایی به نحوی از انحا طریقی از اصلاحات ارضی را انجام داده و یا در دستور روزشان قرار دارد، اما محافل حاکمه ارتجاعی کشور بنا بر پیوند منافع طبقاتی خود با ملاکین فیودال ستمگر و آمیزش منافع با امپریالیزم، نتنها حاضر به طرح هیچ‌گونه پروگرام اصلاح ارضی نیست، بلکه برعکس به‌وسیله طرح و تدوین قوانین ارتجاعی و تشویق ملاکین فیودال به ستمگری و استثمار بیشتر در جهت وضع فعلی و تثبیت مواضع ضد مردمی طبقات حاکمه ارتجاعی می‌کوشد، چنانچه اخیراً قانون ارتجاعی احصائیه و سروی اراضی پیشنهادی حکومت در ولسی‌جرگه به تصویب رسید که نموداری از چنین سیاست غیر دموکراتیک و ملی می‌باشد.

قانون احصائیه و سروی اراضی:

این قانون قبلاً از طرف حکومت به شوری پیشنهاد گردیده بود. منظور حکومت از طرح این قانون از یکسو بدست آوردن احصائیه اراضی کشور و به‌اصطلاح ترتیب دفاتر املاک و انتظام امور مالیات زمین و از سوی دیگر تثبیت ملکیت‌های زمین بود. این طرح با پاره تعدیلات از طرف انجمن تقنین و عدلی به مجلس عمومی ولسی‌جرگه سپرده شد، که بعد از مذاکرات طولانی و تغییرات زیاد به نفع ملاکین بزرگ ودر نتیجه بسط و استحکام نظام فیودالی با ۸۲ رأی موافق و ۶۲ رأی مخالف به تصویب رسید. بر اساس این قانون نتنها ملکیت‌های بزرگ زمین تثبیت می‌گردد، بلکه زمینه بیشتری برای اعمال خودسرانه ملاکین فیودال متنفذین و مأمورین محلی، به‌منظور تسلط وسیع‌تر بر ملکیت‌های عامه و استثمار دهقانان فراهم می‌آید؛ و به همین جهت وکیل ببرک کامل، عضو فراکسیون دموکراتیک خلق، این قانون ارتجاعی را با دلایل موجز ذیل به‌صورت کلی رد کرده و مورد انتقاد شدید و صریح قرارداد:

بیانیه وکیل ببرک کارمل:

«به‌صورت مختصر رأی و نظر ما در باره طرح قانون احصائیه و سروی اراضی چنین است:

ما راجع به حل اساسی مسأله دهقانی و زمین و اصلاحات دموکراتیک ارضی و ایجاد عدالت اجتماعی در کشور و رهایی توده‌های عظیم دهقانان از اسارت، چندین مرتبه نظریات، طرح‌ها و پیشنهادهایی به مجلس تقدیم کرده‌ایم. لیکن بنا بر ترکیب اجزای شورای کنونی افغانستان پیدا کردن راه حل و جواب مثبت به این مسأله حیاتی و حاد در کشور نه تنها امکان پذیر نیست، بلکه تصویب این قانون احصائیه و سروی اراضی از طرف مجلس معرف این حقیقت است که وضع فلاکت‌بار زندگی دهقانان در جامعه روز بروز بدتر و تیره می‌گردد و تضاد میان دهقانان و مالکین زمین بیشتر تشدید می‌شود و حل مسالمت آمیز مسأله دهقانی را محدود می‌سازد.

هرگاه مجلس به مسأله دهقانی تحقق می‌بخشید به‌یقین می‌توان گفت که دران صورت بقایای نظام قرون وسطایی که سد راه ترقی نیروهای تولیدی هستند، از بین برده می‌شود و کمبود مواد غذایی و غله که از مشکلات روز افزون و حاد افغانستان است حل می‌گردید و دهقانان از اسارت و استثمار، از فقر و فساد و ستم رهایی می‌یافتند.

همچنین باید خاطر نشان ساخت که هر گاه این قانون سروی اراضی مورد تطبیق قرار گیرد، نتنها هرج‌ومرج را در کشور ایجاد خواهد کرد، بلکه صریحاً مخالف روحیه ارزش‌های قانون اساسی کشور بخصوص مقدمه قانون اساسی می‌باشد.

توجه بفرمائید! مقدمه قانون اساسی به‌صراحت می‌گوید:

به‌منظور تنظیم حیات ملی افغانستان مطابق به مقتضیات عصر وبر اساس واقعیات تاریخ و فرهنگ ملی، به‌منظور تأمین عدالت و مساوات، به‌منظور تطبیق دموکراسی سیاسی اقتصادی و اجتماعی، به‌منظور شئون و ارکان دولت برای تأمین آزادی و رفاه افراد و حفظ نظم عمومی، به‌منظور انکشاف متوازن تمام امور حیاتی افغانستان،

و در نهایت:

به‌منظور تشکیل یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس تعاون اجتماعی و حفظ کرامت انسانی ما مردم افغانستان...»

فکر می‌کنم هرگاه در زمینه، روی مصالح عامه دقت صورت گیرد، تناقص قانون احصائیه و سروی اراضی با روحیه و ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی به‌خوبی معلوم می‌گردد.

نکته اخیری را که باید به کمال تأسف اظهار بدارم این است که حتی قانون سروی اراضی که از مجلس می‌گذرد به‌مراتب نسبت به طرح پیشنهادی حکومت ارتجاعی‌تر است.

طوری که وکلای محترم در زمینه به‌صورت مستدل توضیح دادند.

بنا بر دلایل فوق که قانون سروی اراضی موجود را مخالف منافع و مصالح کشور و توده‌های عظیم دهقانان و رشد اقتصاد ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی میدانیم، آن را کاملاً رد می‌کنیم و به‌صورت کل به این قانون ارتجاعی رأی منفی می‌دهیم.»

در خاتمه: ما بنا بر درک مسؤولیت تاریخی خویش در برابر خلق نجیب و زحمت کش افغانستان در حالی که قبلاً در مورد مواضع ستمگرانه ملاکین فیودال به‌مثابه دشمن عمده خلق در شماره (۸) پرچم و راجع به مسأله دهقانی در شماره (۱۷) که تصویری از وضع رقتبار دهقانان زحمتکش و ستمدیده کشور می‌باشد، مطالب مفصلی در زمینه تضاد عمده کنونی جامعه ارایه کرده‌ایم، بازهم در آینده موضوع حل مسأله ارضی را به‌مثابه وظایف تاریخی خویش به‌صورت پیگیر تعقیب خواهیم کرد.

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک افکارو خپروونکی

۲۴ سرطان ۱۳۴۷

رویدادهای مهم سیاسی جهان
در هفته گذشته

ما سکو- در دعوتی که به‌افتخار جمال عبدالناصر در مسکو داده شده بود، لیونید برژنف سر منشی حزب کمونیست اتحاد شوروی اظهار داشت: اتحاد شوروی در مقابل سیاست تجاوزکارانه امپریالیزم کمک‌های همه جانبه خود را برای کشورهای شرق میانه زیاد خواهد کرد. او گفت: دشمنان خلق‌های عرب در روابط دوستانه و کمک شوروی به کشورهای شرق میانه نباید شک داشته باشند. موصوف اظهار داشت اتحاد شوروی همیشه با خلق‌های عرب خواهد بود. اتحاد شوروی به‌منظور امحای آثار تجاوز و الحاق خاک‌های کشورهای عربی به آن‌ها کمک خواهد کرد. ملت‌های صلح‌دوست جهان مخصوصاً ممالک سوسیالیستی در زمان دشوار و خطرناک با مردم عرب کمک کردند و این کمک ادامه خواهد یافت و به اثر همین کمک بود که امپریالیزم جهانی به هدف‌های خود رسیده نتوانست. اسرائیل می‌خواست پیشرفت کشورهای عربی را خاموش سازد. و حکومات طرفدار و دست نشانده را حاکم بر کشورهای عربی نماید، مگر موفق نشد.

برژنف گفت که باید به اشغال گران جواب دندان شکن داده شود. جمال عبدالناصر به نقش پراهمیت اتحاد شوروی در مبارزه برای صلح و امنیت، دوستی و برادری در میان مردم جهان و کمک فوق‌العاده آن در محو آثار تجاوز اشاره نموده، اظهار داشت: جنگی که در ماه جون سال گذشته علیه ممالک عربی آغازشده بود توطئه مشترک امپریالیزم جهانی علیه خلق‌های عرب بود و اسرائیل مأمور اجرای این توطئه شد. امپریالیزم جهانی می‌خواهد رژیم‌های مترقی عربی را سر نگون سازد. ممالک غربی ابداً تجاوز اسرائیل را تحمل نخواهند کرد.

جمال ناصر گفت: زمانی نازی‌ها پایتخت پرافتخار شما را تحدید می‌کردند ولی قوای شوروی ضربات مرگباری به نازی‌ها وارد ساخت وایشان را از اطراف مسکو راند. ما از تجربه شما می‌آموزیم و تمام مردم جهان و آن‌هایی که به مقابل تجاوز، زور، و تسلط مبارزه می‌کنند از این تجربه می‌آموزند.

ناصر اظهار داشت: هدف اصلی ما رفع آثار تجاوز ره زنانه سال گذشته است. ما برای رسیدن به این هدف از هیچ تلاشی دریغ نخواهیم کرد ولو برای ما گران تمام می‌شود، هر چند که قربانی‌های زیاد بدهیم. موصوف اظهار داشت بدون قربانی، مبارزه و تأمین استقلال امکان پذیر نیست. ما افتخار می‌کنیم که شما خلق اتحاد شوروی دوشادوش ما قرار گرفتید و ما به موضعی که شما در مورد شرق میانه گرفته‌اید افتخار می‌کنیم. از کمک و پشتیبانی شما سپاسگزاریم.

در دعوتی که جمال عبدالناصر به‌افتخار سران اتحاد شوروی ترتیب داده بود گفت: ما بار دیگر به این حقیقت آگاه شدیم که اتحاد شوروی دوست صمیمی مردمان عرب است.

اتحاد شوروی در وقت حمله اسرائیل بر خاک‌های عرب از ما پشتیبانی کرد و هم اتحاد شوروی به ما وعده داده که در راه استرداد اراضی اشغال شده اعراب با مردمان عرب کمک مؤثر خواهد کرد.

* * *

نیویارک: حزب کمونیست ایالات متحده امریکا در ختم جلسات فوق‌العاده خویش که در آن سه صد نماینده از چهل ایالت اشتراک داشتند، زن ۳۸ ساله سیاه‌پوست بنام (شارلی میچم) را از طرف خود به حیث کاندید ریاست جمهوری نامزد کرد. نامبرده یک برده امریکائی است و سمبول مبارزه ۲۲ میلیون سیاه پوست امریکاست. او مخالف تبعیض نژادی و جنگ در ویتنام است.

همچنان حزب مذکور رئیس کمیته جوانان را به حیث معاون رئیس جمهور نامزد کرد.

د میدان د جمیعت د لیسی زدکونکو
په اعتصاب لاس پوری کړ

د میدان د جمیعت دلیسی زده کونکو د سرطان په یولسمه په اعتصاب لاس پوری کړ چه ورسته دغه اعتصاب په مظاهری بدل شو. له اطلاع سره سم زده کونکی د سرطان په ۱۲ د پوهنی له مدیر سره د ملاقات په غرض د ولایت د مرکز خواته روان شول خو په لار کی له والی سره مخامخ شول. زده کونکو له والی سره خبری وکړی او دلیسی د مدیر له ناوړه سلوک څخه یی شکایت وکړ. زده کونکو وویل چه زمور پلرونو په ۱۳۴۵ کال کی دلیسی د ودانی دپاره یوه اندازه پیسی را تولی کړی او حکومته یی وسپارلی. خو له هغی وخت نه دوه کاله تیر شو او د لیسی ودانی په پخوانی حال پاته ده.

زده کونکو په خپل ولایت کی د داکتراو دوا له وضعی څخه هم شکایت وکړ. د زده کونکو د شکایاتو زیاته برخه دلیسی مدیر ته متوجه وی. دوی وویل: چه نوموړی د شاګردانو له تنور او ذهنی انکشاف سره مخالف دی او د زده کونکو په مینځ کی جاسوسی ترویجوی.

خبر وائی چه والی له زده کونکو څخه وغوښتل چه بیرته لیسی ته ستانه شی او وعده‌یی وکړ له چه ژر به دپ وهنی مدیر دوی سره د خبرو د پاره لیسی ته ورواوستوی له وعده سره سم د پوهنی مدیر د سرطان په ۱۳ لیسی ته ورغی او د خبرو په ترڅ کی یی وعده وکړ چه مدیر به لری کړی اود لیسی د ودانی کار به شروع کړی.

یوبل خبر وائی چه یوتن وطن پالونکی ښونکی د زده کونکو د لمسولو په تور د ولایت مرکز ته بیول شوی دی اوتراوسه پوری دهغه سرنوشت په باره کی کائی اطلاعات لاسته نه دی راغلی.

د ښونی او روزنی
د ادا ری ځانګی دمحصلانو اعتصاب په بریالیتوب پای ته ورسید

ښوونی اوروزنی دمحصلانو چه دجوزا په نهمه نیټه شروع شوی ؤ د سرطان په ۱۲ نیټه پای ته ورسید.

دښوونی اوروزنی محصلان چه په تعلیمی نصاب او پروګرام کی د اساسی بدلون غوښتونکی وو ادعایی درلوده چه باید تعلیمی نصاب له هغه هدف سره سمون وکړی چه محصلان دهغه لپاره روزل کیږی.

شویده د محصلانو له یوه میاشتی اعتصاب نه وروسته دپوهنی وزارت او د پوهنتون ریاست د هغوی له غوښتنی سره موافقه وکړ او د ښوونی او روزنی تعلیمی نصاب یی چه محصلانو هغه استعماری فرهنګ اعلان کړی ؤ منسوخ کړ.

اطلاع زیاتوی چه د ښونی او روزنی دپوهنځی اداری څا نکه د... تر ۱۵ نیټی پوری رخصت شویده او د کابل پوهنتون ویلی دی چه د محصلانو د تعطیل په موده کی به نوی پروګرام او دهغه له پاره به استادان برابر کاندی.

همدا اطلاع وایی چه د ښوونی او روزنی د اداری څانګی محصلان به خپله کلنی آزموینه د روان کال د دلو په پای کی تیره کړی.

سومین اعتصاب کارګران
انتقال گاز شبرغان

خبریال پرچم از شبرغان مرکز ولایت جوزجان اطلاع می‌دهد که کارگران انتقال گاز شبرغان ۹ سرطان برای سومین بار دست به اعتصاب زدند. علت اعتصاب آنان این بود که کارفرمایان پروژه وعده‌های قبلی خود را در مورد مطالبات کارگران نقض نموده‌اند.

طوری که قبلاً اطلاع داده بودیم، آمر پروژهٔ تفحصات در اثر اعتصاب کارگران موافقتنامهٔ مبنی بر قبول مطالبات کارگران را با ایشان سپرده بود، ولی باختم اعتصاب، مأموران پروژه درصدد آن برآمدند تا در صفوف کارگران رخنه وارد کنند و بعد تعهدات را نقض وعدهٔ معدودی را تجرید و مجازات نمایند.

با تفهیم نقض تعهدات، کارگران انتقال گاز به تاریخ ۹ سرطان در محل اقامت خود سومین اعتصاب خود را آغاز کردند. کارگران عهد شکنی و تفتین مأموران انتقال گاز را ضمن میتینگ‌های خود محکوم کردند و ضرورت وحدت و همبستگی را یک بار دیگر تائید نمودند. فردا (ده سرطان) کارگران مجدداً در اقامتگاه خود اجتماع نموده و ساعت چهار بعدازظهر در باغ عمومی شبرغان میتینگی تشکیل دادند. درین میتنگ صدها تن از شهریان شبرغان اشتراک کردند و با شور و حرارت خطابه‌های کارگران را استقبال نمودند.

قرار معلوم درین میتنگ کارگران به افشای اعمال و اختلاس‌های یک عده مأموران پرداختند.

روز یازده سرطان نیز اعتصاب کارگران ادامه کرد و قرار معلوم در همین روز یک عدهٔ چند نفری کار گران انتقال گاز که در اثر دسایس یک عده مأموران از رفقای خود جداشده بودند، دو باره به..پیوستند و از موضعی که قبلاً گرفته پیوستند و از موضعی که قبلاً گرفته بودند اظهار ندامت کردند.

خبر می‌افزاید که کارفرمایان انتقال گاز که تمام تدابیر (!) شان نقش بر آب شده بود به تعهدات قبلی خود تسلیم شدند و اکیداً تعهد کردند که دیگر از موافقتنامهٔ قبلی خود عدول نکنند.

یک خبر دیگر می‌رساند که آمرین پروژه به اساس تعهدات قبلی خویش، روز سوم اعتصاب قراردادهای کارگران را طبق مطالبهٔ ایشان تجدید و ترتیب کردند و درجات بلندتری را طبق قانون به آنان دادند.

از (ص ۳)

جنبش آزادی‌بخش ملی...

از طرف دیگر سویه مبارزه آزادی‌بخش به‌مراتب بلندتر از »شورش‌های برنج «در جاپان است که در اوایل قرن ۲۰ در آن کشور واقع گردید.

- ۴ -

به این صورت با در نظر گرفتن شرایط بیرونی و درونی انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش جدید و بالخصوص این حقیقت که جنبش‌ها و انقلاب‌های مذکور درزمانی بر قاره‌های وسیع پخش گردیده و هم زمان ده‌ها کشور را در برگرفته است که سوسیالیزم در بسیاری کشورها به پیروزی نایل گردیده و در اتحاد شوروی ساختمان سوسیالیزم به پایه تکمیل رسیده، نتایج مهم ذیل از آن بدست میاید:

۱- این انقلاب‌ها که هدف آن رهایی ملت‌ها از ستم استعمار می‌باشد از نظر شکل و مرحله تکامل خود در کشورهای مختلف فرق می‌نماید، و از آغاز خصوصیت ضد امپریالیستی دارند؛ زیرا امپریالیزم و استعمار یک کل غیرقابل تجزیه است.

۲ ـ چون امپریالیزم یک پدیده کلی نه بلکه یک پدیده جهانی می‌باشد، بنا بر آن انقلاب‌های آزادی‌بخش ملی گرچه متوجه آزادی ملی می‌باشد در عین زمان خصوصیت همگانی دارد. از آن رو تعجب آور نیست اگر جنبش‌های ضد استعماری مشخصات ملی و بین‌المللی را در خود جمع می‌کند.

۳ ـ از آنجایی که این انقلاب‌ها بر ضد امپریالیزم ُعالی‌ترین و آخرین مرحله سرمایه‌داری می‌باشد، در کشورهایی که در احاطه این انقلاب‌ها هستند و اشکال رشد یافته سرمایه‌داری در آن‌ها به سرمایه خارجی تعلق دارد، لذا انقلاب‌های آزادی‌بخش ملی گرایش‌های ضد سرمایه‌داری نیز دارند. از همین‌جاست که حتی در مراحل نخستین آن، زمانی که انقلاب‌های ضد استعماری در راه آزادی سیاسی مبارزه می‌کنند، در عین زمان به‌طور بالقوه به خاطر آزادی اقتصادی یعنی طرد سرمایه خارجی و شکستاندن نیروی مقاومت گروپ‌های بورژوازی محلی غیر وطن‌پرست (کمپرادورها و غیره)، فیودال‌ها و روسای قبایلی مربوط به آن نیز مبارزه می‌نماید.

۴ ـ این انقلاب‌ها در مرحله استقلال سیاسی توقف نمی‌کند؛ زیرا بعد از پیروزی فوراً به وظیفه جدید حتی مشکل‌تر یعنی ایجاد دولت مستقل ملی مواجه می‌گردند. این وظیفه ارتقای اقتصاد عقب مانده ملی، اقناع خواسته‌های جدی توده‌های مردم به خاطر اصلاح شرایط زندگی، از بین بردن بحران و عقب ماندگی اقتصادی و غیره را احتوا می‌کند. همه این مسایل در جریان تصادمات شدید که به‌طور متمادی مقاومت انحصارات و استعمار جدید (داخلی و خارجی) آن را تجدید می‌نماید و به‌نوبه خود انقلاب را شدیدتر می‌سازد، حل می‌گردد.

۵ ـ اتحاد شوروی و دیگر دولت‌های سوسیالیستی از ابتدا و هم در مراحل بعدی از جنبش‌های آزادی بخش ملی پشتیبانی می‌نمایند ودر صورت ضرورت به شمول امداد نظامی از بذل هیچگونه کمک بی‌غرضانه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دریغ نمی‌نمایند.

به هر اندازه که جنبش آزادی‌بخش ملی انکشاف می‌نماید، به هر پیمانه‌یی که سوسیالیزم نیرومندتر شده می‌رود جنبش آزادی‌بخش ملی نیز هر چه بیش‌تر خصوصیت ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری می‌یابد و پیوندهای آن با جهان سوسیالیستی مستحکم‌تر می‌گردد.

۶- جنبش‌های رشد یابنده آزادی‌بخش ملی و انقلاب‌ها پیوسته بر یکدیگر تأثر متقابل وارد می‌نماید. به این صورت انقلاب کیوبا به نحوی از انحا انقلاب الجزایر را »برانگیخت « و جمهوریت متحد عرب سایق یمن، عراق، سوریه، و غیره گردید. این انقلاب‌ها با کشورهای سوسیالیستی نیز ارتباط دارد. بدین ترتیب پیروزی‌های بیشتر بشریت در راه ساختمان سوسیالیزم ... . این جریانات را تسریع و تقویه خواهد نمود و به حیث عامل مؤثر نیرومند بر تمام جریانات مترقی و تاریخی تأثیر وارد خواهد کرد.

بر این اساس است که سه نیروی عمده مترقی دوران ما (سیستم جهانی سوسیالیزم، جنبش‌های بین‌المللی کارگری در کشورهای سرمایه‌داری و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی ضد امپریالیستی، شکل می‌گیرد، نیرومند می‌شود و انکشاف می‌یابد.

(باقی دارد)

مظاهره شاګردان ښونځی متوسطه
منهاج السراج ولسوالی سرپل ولایت جوزجان

شاګردان ښونځی متوسطه منهاج السراج ولسوالی سرپل بروز ۱۳ و ۱۴ سرطان به‌صورت شفاهی و تحریری شکایاتی به اداره مکتب خود سپردند. درین شکایت نامه از وضع نامناسب چند تن معلم که موجب نفاق در بین شاګردان می‌شدند شکایت شده و مطالبه گردیده که باید هرچه زودتر به این وضع خاتمه داده شود. چون اداره ښونځی و بعداً ولسوالی سرپل نتوانستند جوابی به شاګردان بدهند، شاګردان دست به مظاهره زده و در چهار سوق شهر به میتنگ پرداختند.

شاګردان ضمن اظهار و شرح مطالب صنفی خود بر ضد ارتجاع، استبداد و استعمار شعار می‌دادند و از کارگران و دهقانان کشور پشتیبانی می‌کردند.

تا کنون آخرین اطلاعات در مورد مظاهرات متوسط منهاج السراج بدست نیامده است.

شمالی ویتنام ته د شوروی اتحاد
مرستی

هانوی: د نان دان روځ پانه چه په شمالی ویتنام کی خپریږی په خپلی یوی ګڼی کی داسی لیکلی: هغه ټرونه چه په ماسکو کی دشوروی اتحاد او شمالی ویتنام تر مینځ لاسلیک شول په حقیقت کی مؤثر او پیګیر ګام دی چه د شوروی اتحاد او شمالی ویتنام دخلکو تر مینځ اخستل شوی دی دغه مرستی به د ویتنام له خلکو سره هدف ته د رسیدو دپاره مرسته وکړی. د ویتنام خلک د شوروی اتحاد له کمونست ګوند چخه دزړه له کومی تشکر کوی.

اسرائیلو ته د امریکی مرستی

واشنګتن: د امریکی حکومت اعلان وکړ چه د اسراییلو دهوایی قواو دپاوری کولو په غرض به هغه هیواد ته هوایی ضد نوی راکټونه ورکړی.(دغه مطلب د امریکی د دفاع د وزارت له خوا څر ګند شو.)

غرور رنجبر

اگرچه بار گرانی چو کوه بشانهٔ ماست
از آن خوشیم که فردا زمان، زمانهٔ ماست
زما مجو سند پآیداری و ایمان
خطوط آبلهٔ دست ما نشا نهٔ ماست
مپرس منزل ما را ز نزد بیخبران
همانکه سقف و درش نیست جای و خانهٔ ماست
برای صاحب سرمایه کی شود روشن
که خرچ سفرهٔ رنګینش از خزانهٔ ماست
جلال و عظمت ما در جهان نمی‌ګنجد
اگر چه لخت جگر شام ما، شبانهٔ ماست
سرور خا نهٔ ارباب اقتدار از چیست؟
ز رنج مستمر غیر عادلانهٔ ماست
جواب حادثه جویان و منفعت طلبان
صف فشرده و رفتار عاقلانهٔ ماست
در فش رزم بدست و شعارها بزبان
نوای فتح و ظفر ورد ما، ترا نهٔ ماست
بزیر ګنبد نیلی و روی کرهٔ خاک
ذوال اگر نپزیرد بدان فسا نهٔ ماست
شعار صلح و اخوت میان جمله ملل
خوشا که زادهٔ فرهنګ جاودانهٔ ماست
«ش. شهپر»

پرچم
هره دوشنبه خپریږی

د تاسیس کال: د ۱۳۴۶ (کب)
د امتیاز خاوند او مسرول مدیر:
سلیمان لایق
آدرس: غوثی مارکیټ
محمد جان خان واټ
کابل، افغانستان

اشتراک
په مرکز کی د کال ۱۰۰ ــ افغانی
په ولایاتو او پښتونستان کی د کال ۱۱۰ افغانی
له هیواد نه د باندی د کال ۱۰ دالره
یوه ګڼه ۲ ــ افغانی

دولتی مطبعه

تایپ متن میر کامور، ویرایش: عمر فیض